

روش تدوین فتوا در کتاب من لایحضره الفقیه

دکتر نُهله غروی نایینی

استاد دانشگاه تربیت مدرس
naeeni_n@modares.ac.ir

چکیده: کتاب «من لایحضره الفقیه» یکی از چهار منبع معتبر مجموعه‌ی حدیثی شیعه است که در قرن چهارم هجری توسط شیخ صدوق نگارش یافته است. این کتاب با باب‌های فقهی آغاز می‌شود که بیشتر مباحث کتاب را تشکیل می‌دهد، و در حقیقت به درخواست یکی از عالمان اهل فن معاصر صدوق به نگارش در آمد تا خواسته‌ی او را که کتابی در مسائل فقهی در صورت عدم دسترسی به فقیه را کفایت کند، برآورده نماید. مؤلف باب‌های مختلف فقهی را بر اساس فتوای خود تنظیم نمود که برای بیان نظرات خویش از احادیث معصومان علیهم‌السلام بهره جسته است. با دقت در این کتاب می‌توان روش نگارش فتواهای او را دسته‌بندی کرد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز به طریق کتاب‌خانه‌ای، فیش‌برداری کرده و با دسته‌بندی آنها روش فتواهای صدوق را چنین یافته است: ۱- به اعتبار درجه‌ی قبول فتوا؛ ۲- نگارش فتوا به صورت بهره‌مندی از احادیث.

دکتر نیره جاودانی

(نویسنده‌ی مسئول)
استادیار دانشگاه بوعلی

کلیدواژه‌ها: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، فتوای شیخ.

تاریخچه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۲
پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

۱. مقدمه

محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق) معروف به شیخ صدوق از بزرگان علمای شیعه در قرن چهارم هجری و صاحب تألیفات بسیار بوده است که یکی از آثار معروف وی کتاب «من لا یحضره الفقیه» است که به «من لا یحضر» یا «الفقیه» هم معروف است. این کتاب به درخواست یکی از عالمان بنام «محمد بن حسن بن اسحاق بن حسین بن اسحاق بن موسی بن جعفر علیه السلام» معروف به «نعمت» نگاشته شد. خواسته‌ی نعمت این بود که کتابی کافی و شافی در فقه باشد و همه‌ی مسائل فقه و حلال و حرام، شرایع و احکام را در بر داشته باشد و در صورت نیاز به آن مراجعه کند و مورد اطمینان و اعتماد باشد و به آن عمل نماید (صدوق، بی تا، ج ۱، صص ۲ و ۳).

این اثر گران قدر همواره مورد توجه عالمان و محدثان بوده و در کنار کتاب «الکافی» کلینی و «تهذیبین» شیخ طوسی چهار منبع اصلی شیعه یعنی کتب اربعه را تشکیل می‌دهند. کتاب «من لا یحضر» از زمان نگارش تا به امروز بسیار با ارزش و مورد توجه و تأیید علما و بزرگان دین بوده است.

شیخ در مقدمه می‌نویسد: نظر نداشتم که مانند دیگر مصنفان همه‌ی روایات را بیاورم بلکه آن دسته از روایات که به آنها فتوا می‌دهم و معتقد به صحت آنها

هستم را آورده‌ام. شیخ رحمته الله این کتاب را میان خود و خدای خود حجت قرار داده و منابعی را که از آنها در نگارش این مجموعه حدیث اخذ کرده است (اصول و کتاب‌های معتبر) را در مقدمه ذکر نموده است (همان، ص ۳). کلام صدوق در مقدمه، دلیل اعتبار این کتاب نزد عالمان بوده است و اصولاً مطلب حجت بودنی که شیخ از آن سخن می‌گوید دلیل ارزش و جایگاه کتابش است زیرا او خود فرد صالح و صادق بوده است.

هر حدیث از دو بخش سند و متن تشکیل شده است. سند، سلسله‌ی افرادی است که حدیث را از معصوم نقل کرده‌اند به عبارت دیگر طریق و راه به متن حدیث سند آن است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۳؛ غروی نایینی، ۱۳۹۱ ش، ص ۲۱). متن حدیث قسمتی از کلام است که قوام و معنای حدیث به آن است یعنی: قول معصوم یا کلام درباره‌ی فعل یا قول یا تقریر معصوم (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۲، مامقانی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱، ص ۴۷-۴۸، قاسمی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۰۲) در اصطلاح علمای حدیث بخشی از کلام را که سند به آن ختم می‌شود، متن گویند (عتر، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۲۱).

هنگامی که به صحت صدور متن از پیامبر صلی الله علیه و آله یا معصوم علیه السلام علم حاصل شد، اطاعت از آن بر اساس فرمایش الهی در قرآن واجب است.

آیاتی که امر به اطاعت از پیامبر یا اولی الامر می‌کنند گویای این وجوب است، مثلاً:

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرِّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران، ۳۲) یعنی: بگو: «خدا و پیامبر [او] را اطاعت کنید.» پس اگر روی گردان شدند،

قطعا خداوند کافران را دوست ندارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (النساء، ۵۹) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام‌تر است.

﴿وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا﴾ (الأحزاب، ۳۳) یعنی: و در خانه‌هایتان قرار بگیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (حشر، ۷) یعنی: آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و درراه‌ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردد. و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید و از

خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

در این مقاله به بیان روش شیخ صدوق رحمته الله در ذکر فتوهایش می پردازیم.

۲. فتاوی شیخ صدوق رحمته الله در الفقیه

شیخ صدوق رحمته الله کتاب «من لایحضر» را به روش قدما و آنچه تا زمان او مرسوم بوده است در بیان احکام فقهی به صورت حدیث بیان کرده و در آن فتوهای خود را گفته است که روش او در این کتاب چند گونه است. او بر اساس نصوص اخبار عمل کرده است. آراء او را می توان به صورت ذیل تقسیم کرد:

۱.۲. به اعتبار درجه قبول فتوا

این قسم از فتاوی خود بر سه نوع است:

۱-۱- فتوهای که مطابق با ضرورت مذهب بوده و صحت آنها بدون کمترین اختلافی مورد توافق همگان است.

این نوع فتواها حجم زیادی از کتاب الفقیه را در بر گرفته و در اکثر موارد مشاهده می شود، از جمله:

۱-۱-۱- هر آبی پاک است مگر اینکه به نجاست آن علم حاصل کنی (همان، ج ۱، ص ۱).

۱-۱-۲- وضو گرفتن با شیر یا دوغ جایز نیست زیرا وضو با آب مطلق صحیح است (همان، ج ۱، ص ۲۰).

۱-۱-۳- دیه در ماه های حرام تغلیظ می شود (همان، ج ۴، ص ۷۰).

۱-۴- هر چیزی که روزه گرفتن بدان ضرر رساند، افطار بر آن واجب است.
 ۲-۱- فتواهایی که محل اختلاف فقهای امامیه بوده و توافق همگانی نیست. این نوع فتواها را می‌توان با رجوع به کتب فقهی امامیه هم‌چون کتب «السرائر» حلی و «مختلف» علامه حلی به دست آورد.

مثلاً: مؤلف، حدیثی با این مضمون نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ فرمود: هر که در راه عبور مردم مسلمان ناودانی نهد یا کنیفی احداث کند ... و مسلمانی با یکی از اینها برخورد کند و تلف شود، نصب کننده‌ی ضامن است (همان، ج ۴، ص ۱۱۴). درباره‌ی ضامن بودن، برخی از فقها می‌گویند: اگر ناودان بر سر فردی افتد، صاحب آن ضامن است و به همین خبر تمسک یافته‌اند. اما بعضی دیگر صاحب آن را ضامن نمی‌دانند و می‌گویند جواز خارج بودن می‌زابد و ناودان مورد اتفاق است و عمل و سیره‌ی مسلمانان همین بوده است و اگر بیافتد و خسارتی بیار آورد مربوط به صاحبش نیست و خبر را توجیه یا طرح می‌کنند (همان، ج ۶، ذیل ح ۵۳۴۳).

۳-۱- فتواهایی که دیگر عالمان در پذیرش آنها تردید روا داشته و گاه به آنها عنوان شاذ داده‌اند.

شیخ صدوق در میان علمای شیعه به وجود آراء شاذ و نادر معروف بوده است.^۱ نمونه‌ای از این فتوا عبارتست از:

۱-۳-۱ جواز وضو با گلاب

۱. یکی از دانشمندان به نام شیخ مفلح بن الحسن صمیری فتاوی غریب شیخ صدوق را در کتابی با نام «التنبیه علی به غرائب من لا يحضره الفقيه» جمع‌آوری کرده است (معارف، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۱۵).

شیخ صدوق رحمته الله علیه پس از نقل روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمود: «اذا كان الماء قدر قلتین لم ینجسه» (همان، ج ۱، ص ۹) یعنی: هرگاه آب به اندازه دو قله باشد، چیزی آن را نجس نمی‌کند. چنین فتوا می‌دهد: «و لا بأس بالوضوء و الغسل من الجنابه و الاستیاک بماء الورد» یعنی: باکی نیست به وضو ساختن و غسل جنابت کردن و مسواک زدن با گلاب (همان).

کلام شیخ تصریح دارد که با گلاب می‌توان وضو گرفت. مجلسی اول در شرح «من لایحضر» کلام شیخ صدوق رحمته الله علیه را به جای «و لا بأس بالوضوء» به صورت: «و لا بأس بالوضوء منه» ضبط کرده و در شرح آن می‌گوید: «بنابر نسخه‌ای که لفظ «منه» در آن آمده، مرجع ضمیر در منه، آب کراست. یعنی در وضو ساختن با آب کرو غسل کردن با آن باکی نیست و در واقع این سخن صدوق رحمته الله علیه رد باور حنفی‌ها است که معتقد به عدم جواز این امر هستند.

اما آن تعداد اخباری که دلالت بر عدم جواز دارند، حمل بر تقیه و یا کراهت است. اما در خصوص این سخن شیخ صدوق رحمته الله علیه که گوید: «و الاستیاک بماء الورد» باید گفت: این جمله، جمله‌ی استینافی است و به معنی این است که مسواک زدن با گلاب به جهت خوش بو کردن دهان جایز بوده و از مصادیق اسراف محسوب نمی‌شود (مجلسی، ۱۳۸۹، ق، ۱، ص ۴۱). باید گفت که شیخ صدوق در کتاب «الهدایة» آورده است: «و لا بأس ان یتوضأ بماء الورد للصلاة». البته مجلسی اول در ادامه‌ی بحث می‌نویسد: بنابر نسخه‌ی اصل، سخن شیخ صدوق بر جواز وضو و غسل و مسواک کردن با گلاب دلالت می‌کند (مجلسی، ۱۳۸۹، ق، ۱، ص ۴۱). شاید دلیل شیخ در این خبر، روایت امام رضا علیه السلام است: «رواه محمد بن یعقوب عن علی بن محمد بن محمد عن سهل بن زیاد عن محمد بن

عیسی عن یونس عن ابی الحسن علیه السلام قال قلت له: الرجل یغتسل بماء الورد ویتوضأ به للصلاة؟ قال: لا بأس بذلك» (طوسی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۲۱۸).
 شیخ طوسی رحمته الله بعد از ذکر خبر می نویسد: این خبر از جمله اخبار شاذ است، اگرچه در کتب مکرر آمده است. اصل این خبر از یونس از ابی الحسن علیه السلام است که کسی غیر از یونس آن را روایت نکرده و اجماع علما بر ترک عمل به ظاهر این روایت قرار گرفته است (همان، ص ۲۱۹).^۱

۱-۳-۲- نماز در جامه‌ی شراب آلود

شیخ صدوق رحمته الله درباره‌ی نماز در جامه‌ی آلوده به شراب چنین فتوا می‌دهد: نماز خواندن در جامه‌ی شراب آلود اشکالی ندارد. خداوند متعال نوشیدن شراب را حرام کرده و نماز خواندن در لباسی که به آن آلوده شده را ممنوع نکرده است و اما در خانه‌ای که در آن شراب باشد، بجای آوردن نماز جایز نیست (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳).

۱. «فهذا الخبر شاذ شدید الشذوذ و ان تكرر فی الكتب و الاصول فانما أصله یونس عن الی الحسن علیه السلام و لم یروه غیره و قد أجمعت العصابة علی ترک العمل بظاهره و ما یکون هذا حکمه لا یعمل به، و لو سلم لاحتمل أن یکون أراد به الوضوء الذی هو التحسین و قد بینا فیما تقدم ان ذلک یسمی وضوءاً و لیس لأحد ان یقول ان فی الخبر انه سأل عن ماء الورد یتوضأ به للصلاة لأن ذلک لا ینافی ما قلناه، لانه یجوز أن یتعمل للتحسین و مع هذا یقصد الدخول به فی الصلاة من حیث انه متى استعمل الرائحة الطیبة لدخوله فی الصلاة و لمناجاة ربه کان أفضل من أن یقصد التلذذ به حسب دون وجه الله تعالی و فی هذا اسقاط ما ظنه السائل. و یحتمل ایضاً أن یکون أراد علیه السلام بقوله ماء الورد الماء الذی وقع فیه الورد لأن ذلک قد یمس ماء ورد و ان لم یکن معتصاً رانه لأن کل شیء جاور غیره فانه یکسبه اسم الاضافة الیه و ان کان المراد به المجاورة، ألا ترى انهم یقولون ماء الحب و ماء المصنع و ماء القرب و ان کانت هذه الاضافات انما هی اضافات المجاورة دن غیرها و فی هذا اسقاط ما ظنوه».

۲.۲. فتوا با بهره‌مندی از احادیث

با دقت در کتاب «من لایحضره الفقیه» مشاهده می‌شود که شیخ صدوق رحمته الله روش واحدی را در تصنیف کتاب به‌کار نبرده است که در آن ۴ روش مشاهده می‌شود که عبارتند از:

۱-۲- فتواهایی که باب مستقلی را به خود اختصاص داده‌اند:

مقصود فتواهایی است که به همراه آنها به روایتی اشاره نشده است؛ چنان‌که شیخ صدوق رحمته الله در باب «مواضعی که خواندن ﴿قل هو الله احد﴾ در آنها مستحب است» می‌نویسد: در هفت موضع خواندن ﴿قل هو الله احد﴾ و ﴿قل یا ایها الکافرون﴾ را ترک مکن: دو رکعت اول نماز شب، دو رکعت نافله ی صبح، دو رکعت نافله ی ظهر، دو رکعت نافله ی اول مغرب و دو رکعت طواف، دو رکعت احرام و دو رکعت نماز صبح (همان، ص ۳۱۴، باب ۷۴).

شیخ این باب را با این فتوا به پایان برده و حتی به حدیث واحدی هم در این خصوص اشاره نکرده است. ایشان در ابواب زیر نیز به این روش عمل نموده است:

باب نمازهایی که سنت رسول الله صلی الله علیه و آله بر توجه و اهتمام نسبت به آنها جاری شده است (همان، ص ۳۰۷، باب ۷۰)

باب میراث زوج همراه با فرزند (همان، ج ۴، ص ۱۹۳، باب ۱۳۵)

باب میراث زوجه همراه با فرزند (همان، ص ۱۹۳، باب ۱۳۶)

دیگر ابواب موارث (همان، ابواب ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۱)

باب سیاق مناسک حج (همان، ج ۲، ص ۳۱۱، باب ۲۱۳) و بیشتر مناسک حج مانند: تلبیه، داخل شدن به مکه، داخل شدن به مسجد الحرام، نظر کردن به سوی کعبه، نظر کردن به حجر الاسود، طواف و ...
باب زکاة الغلات.

۲-۲- فتواهایی که بر احادیث یک باب مقدم شده است و برگرفته از احادیث همان باب است.

این نوع فتاوا در «الفقیه» معدود است. نمونه آن عبارت است از:

در ابتدای باب «نماز در مسجد غدیر خم» می‌نویسد: چون به مسجد غدیر خم رسیدی به آنجا داخل شو و هر چه به خاطرت گذشت نماز بگذار... (همان، ج ۲، ص ۳۳۵، باب ۲۱۵). با دقت در کتاب ملاحظه می‌شود که این فتوا برگرفته از روایات زیر است که در کتاب آمده است:

امام صادق علیه السلام فرمود: «یستحب الصلاة فی مسجد الغدیر» (همان).

عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: از امام ابو ابراهیم علیه السلام درباره‌ی نماز خواندنم در مسجد غدیر در روز، در حالی که مسافر باشم سوال کردم. فرمود: «صل فیہ فان فیہ فضلا و قد کان ابی یأمر بذلک» (همان).

۲-۳- فتواهایی که بر احادیث یک باب مقدم است لکن برگرفته از روایات آن باب نیست:

می‌توان گفت که چکیده و عصاره‌ی روایات دیگری است که شیخ صدوق رحمته الله به جای ذکر یکایک آنها به ذکر فتوای واحد خود اکتفا کرده است. در ابتدای باب

«آدابی که زنان باید به هنگام نماز خواندن رعایت کنند» می‌نویسد: «لیس علی المرأة اذان ولا اقامة ولا جمعة ولا جماعة» (همان، ج ۱، ص ۲۴۳، باب ۵۴).

مصنف پس از آن به ذکر روایاتی درباره‌ی پوشش زنان در نماز می‌پردازد و هیچ روایتی در خصوص اذان و اقامه و نماز جمعه و جماعت در این باب به چشم نمی‌خورد.

شیخ رحمته الله در ابواب دیگری هم به این طریق عمل کرده است: میراث فرزند صلبی (همان، ج ۴، ص ۱۹۰، باب ۱۳۱)، میراث پدر و مادر همراه با زوج (همان، ص ۱۹۳، باب ۱۳۹)، میراث پدر و مادر همراه با زوجه (همان، باب ۱۳۹)، میراث اهل الملل (همان، ص ۲۵۰، باب ۱۷۱)، میراث المجوس (همان، ص ۲۵۵، باب ۱۷۴)، میراث خواهران و برادران (همان، ص ۲۰۱، باب ۱۴۶)، غسل مس میت (همان، ج ۱، ص ۸۷، باب ۲۴) و ...

۲-۴- فتواهایی که میان احادیث ابواب پراکنده است:

برخی از فتواهای شیخ صدوق در میان احادیث قرار دارد که به نظر می‌رسد شیخ آنها را برای توضیح و متمم روایات گفته است که گاه با عبارت «و قال المصنف هذا الكتاب» و گاهی بدون آن ذکر شده است.

به عنوان نمونه موارد ذیل است:

امام صادق علیه السلام فرمود: «لا تجالسوا شراب الخمر فان اللعنة اذا نزلت عمت من فی المجلس» (همان، ج ۴، ص ۴۱، باب ۱۱)

ذیل این روایت شیخ می‌نویسد: نماز گزاردن در خانه‌ای که در آن جام و

پیهاله‌ای از خمر است، جایز نیست ولی با لباسی که خمر بدان ریخته (پاشیده) نماز گزاردن اشکال ندارد.

جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «من دخل علی اخیه و هو صائم فافطر عنده و لم یعلمه بصومه فیمن علیه کتب الله له صوم سنة» (همان، ج ۲، ص ۵۲، باب ۲۴). سپس صدوق رحمته الله می‌نویسد: «قال مصنف هذا الكتاب رحمه الله هذا فی السنة و التطوع». یعنی: برای روزه مستحبی است.

۳. نتیجه‌گیری

با دقت در کتاب «من لا یحضره الفقیه» معلوم شد که فتواهای شیخ صدوق رحمته الله به دو نوع: به اعتبار درجه‌ی قبول فتوا و فتوا به سبب بهره‌مندی از احادیث تقسیم می‌شود و تعداد فتواهای نوع دوم و سوم در «الفقیه» بسیار اندک و نوع اول و چهارم فراوان است.

هم‌چنین فتواها با بهره‌مندی از احادیث را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱- فتواهایی که باب مستقلی را به خود اختصاص داده‌اند، ۲- فتواهایی که بر احادیث یک باب مقدم شده است و برگرفته از احادیث همان باب است. ۳- فتواهایی که بر احادیث باب مقدم است لکن برگرفته از روایات آن باب نیست و ۴- فتواهایی که میان احادیث ابواب پراکنده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. شهید ثانی، زین‌الدین الجبعی العاملی، *الرعاية فی علم الدراية*، تحقیق و تعلیق: عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۱۳ ق.

۳. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، سید حسن موسوی خراسان، بیروت: دار الصعب، بی تا.
۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۶ ش.
۵. عتر، نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، دمشق: دار الفکر، ۱۴۰۶ ق.
۶. غروی نایینی، نهله و همکار، فقه الحدیث و روش های نقد متن، تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ش.
۷. قاسمی، محمد جمال الدین، قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث، تحقیق: محمد بهجة البیطار، بیروت: دارالنفائس، ۱۴۰۷ ق.
۸. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدراییة، نجف: المطبعة المرتضویة، ۱۳۵۲ ش.
۹. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مطبعه العلمیه، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: موسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴ ش.



پرو، شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی